

تحلیل عوامل عدم انسجام سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم علیه محیط زیست دریایی

فرشید اکبرزاده،^۱ محمدعلی حاجی آبادی ده،^{۲*} محمدابراهیم شمس ناتری،^۳ سیدمحمود میرخلیلی^۴

چکیده:

جهان امروز در تمام ابعاد خود اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و غیره، پیوسته در حال تغییر و تحول است و در این میان روابط و رفتارهایی نیز پدیدار می‌شوند که بزهکارانه به شمار می‌آیند. وقوع بزهکاری نیز برقراری تمهیدات و اقدامات کنشی و واکنشی را ضروری می‌سازد که چنین پاسخ‌هایی در عرصه سیاست جنایی یافت می‌شوند. یکی از حوزه‌هایی که به این قابلیت و ظرفیت سیاست جنایی نیاز دارد، محیط زیست دریایی است. سیاست جنایی نیز به منظور انجام موفقیت‌آمیز رسالت خود باید از شاخص‌هایی از جمله انسجام برخوردار باشد. سیاست جنایی ایران در قبال جرائم علیه محیط زیست دریایی بنا به دلایل متعدد واجد بایسته انسجام نمی‌باشد. مهمترین این عوامل را می‌توان به عوامل سیاست جنایی تقنینی نام برد که بیانگر عوامل مربوط به ایرادات مقررات موضوعه مانند تفرق قوانین، موقعیت ضعیف و شکننده سازمان‌های غیررسمی، عدم اهتمام به آموزش‌های زیست محیطی و انفعال دستگاه عدالت کیفری است که نگارندگان با روش تحلیلی - توصیفی به تبیین آن‌ها پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی تقنینی، محیط زیست دریایی، عدالت کیفری، سیاست جنایی مشارکتی.

* دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

** دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

dr_hajidehabadi@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران.

**** دانشیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران.

مقدمه

محافظت همه جانبه با تعیین و ترسیم راهبردهای عالمانه و واقع بینانه و نیز بکارگیری شیوه‌ها و ابزارهای متناسب و موثر از محیط زیست امکانپذیر می‌باشد و لاجرم به منظور تحقق این مهم، تمامی ابعاد و توان جامعه باید بکار گرفته شود. از این رو، اتکاء به اقدامات صرفاً اجتماعی یا اداری یا اقتصادی یا حقوقی و... نتیجه بخش نخواهد بود. شرایط و مختصات منحصر به فرد محیط زیست دریایی این امر را به خوبی آشکار می‌سازد که قواعد حقوقی و مشخصاً حقوق کیفری و استفاده از نظام جرم‌انگاری و کیفرگذاری به تنهایی، محافظت از زیست بوم دریایی را محقق و تأمین نخواهد کرد و لازم است که حراست از آن به مفهومی نیرومندتر و برخوردار از ابزار و سلاح‌هایی بیشتر واگذار شود و این مفهوم همانا سیاست جنایی است. سیاست جنایی با استفاده از تمهیدات و اقدامات پیشگیرانه و سزاگرایانه به مقابله با پدیده مجرمانه قیام می‌کند. به دیگر سخن، سیاست جنایی با اعمال پاسخ‌های پیشینی و پسینی تلاش می‌کند که بزهکاری را از ساخت جامعه بزدايد یا کاهش دهد. ناگفته پیداست که موفقیت در هر امری، به مولفه‌هایی بستگی دارد و سیاست جنایی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. دستیابی سیاست جنایی به هدف، منوط به برخورداری از سه فاکتور کارآمدی، انسجام و جامعیت می‌باشد و در صورتی که سیاست جنایی واجد سه عنصر مذکور باشد در طریق مقابله با بزهکاری، عملکردی پیروزمندانه به نمایش خواهد گذاشت. فرآیند مزبور در خصوص جرائم علیه محیط زیست دریایی نیز حاکم و قابل ارزیابی است که در پژوهش حاضر، معیار انسجام مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. بر این اساس نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی هستند مهمترین عوامل عدم انسجام سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه جرائم علیه محیط زیست دریایی چیست؟

۱. پراکندگی قوانین

درست است که قسمت اعظم کره زمین در تسخیر دریاها و اقیانوس‌ها می‌باشد و این پهنه وسیع آبی کیلومترها مساحت دارد و کشور ایران نیز از این موهبت الهی سهم قابل توجهی در شمال و جنوب را به خود اختصاص داده، لیکن محیط زیست دریایی به عنوان میزبان و زیستگاه میلیون‌ها موجود زنده، بسان یک پیکر در هم تنیده است. محیط زیست دریایی یک کلیت واحد می‌باشد به گونه‌ای که اقدامی نابجا در آن سوی خلیج فارس و مثلاً در امارات متحده عربی می‌تواند اثرات زیانبار زیست محیطی خود را در این سوی خلیج فارس بر کشور ایران تحمیل نماید. شرایط حساس و خاص محیط زیست دریایی موجب می‌شود که اگر در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس پساب‌ها و مواد زائد به دریا سرازیر شود این آلودگی به سایر کشورها نیز انتقال می‌یابد و

خسارات متعدد و لطمات جبران ناپذیری وارد خواهد نمود. بر این اساس، در حالی که آثار زیانبار مبادرت به اقدامات آلوده‌ساز یا تخریبی در سطح منطقه‌ای و فراملی صرفاً به یک کشور محدود نمی‌ماند، بی تردید در قلمرو ملی نیز تمامیت محیط زیست دریایی از اعمال ناصواب متضرر می‌شود. بنابراین حقوق محیط زیست دریایی به مثابه یک موجودیت یکپارچه نیز باید در قالب یک قانون احصاء و اعلان گردد. اگر کسی بخواهد در زمینه جرائم ارتكابی علیه محیط زیست دریایی به پژوهش بپردازد یا در مقام قضاوت به دادرسی مبادرت نماید، به دلیل رویارویی با انبوهی از مقررات متفرق اعم از قوانین و آیین‌نامه‌ها دچار سردرگمی خواهد گردید که علت اصلی این تحیر نیز تکرر و تشتت مقررات است. با دقت در قوانین کیفری مرتبط با منابع آب در ایران، می‌توان آشفتگی سیاست‌های حاکم بر جرایم و مجازات‌های پیش‌بینی شده را ملاحظه کرد (محمودی جانکی و زکوی، ۱۳۹۶: ۲۷۷) از یک چشم‌انداز سالم سیاست جنایی، تورم کیفری، یعنی فزونی قوانین و مقررات جزایی که کارایی و حتی اعتبار حقوق کیفری نوین را به مخاطره می‌اندازد، مردود شناخته می‌شود. (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

متأسفانه کثرت و پراکندگی مقررات نه تنها ایادی محافظت از محیط زیست دریایی را نیرومندتر نمی‌کند، بلکه بر تزلزل حصارهای محافظ این نوع از محیط زیست می‌افزاید. یکی از ویژگی‌های برجسته حقوق محیط زیست در عرصه داخلی و بین‌المللی وجود نوعی تورم هنجاری است. تنوع مقررات در حوزه محیط زیست لزوماً به معنی حفاظت و حمایت موثر از محیط زیست نیست. زیرا تاثیرگذاری مطلوب مقررات، مستلزم ساز و کارهای اجرایی و نظارتی است. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸: ۸۸)

بدون تردید، یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است. وجود قوانین متعدد و افزایش جرم‌انگاری‌ها باعث سردرگمی تابعان حقوق کیفری می‌شود به گونه‌ای که گاهی قضات که مجری قوانین هستند، از تشخیص ناسخ و یا منسوخ بودن مجموعه مقررات عاجز می‌مانند. «مثله کردن قوانین کیفری» در امور محیط زیست باعث پراکندگی سیاست‌ها و برنامه‌ها و عدم هماهنگی لازم میان آن‌ها می‌گردد. (کوشکی، ۱۳۸۸: ۸۹ - ۹۰)

بنابراین قانونگذاری و قانون‌نگاری صحیح و یکپارچه در خصوص جرائم علیه محیط زیست دریایی یکی از بارزترین ضروریات در راستای حفاظت از آن می‌باشد و در بهترین حالت، ابتدائی‌ترین کار، تنقیح قوانین موجود جهت رفع ابهامات متعدد آن‌ها در قوانین فعلی است. قوانین گسیخته اعم از تشکیلاتی، حقوقی و کیفری باید در جهت رعایت غبطه‌های زیست محیطی بازبینی شوند تا دستور کار مجلس در قانونگذاری‌های جدید مشخص شود (رضوانی فر، ۱۳۹۳: ۱۶۱). بنا به اعتقاد یکی از حقوقدانان برجسته، مسئله تنقیح قوانین در ارتباط مستقیم با این آیه

شریف است. «و من لم يحکم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون». (قرآن کریم، سوره مبارکه مائده: ۴۵)

در حقیقت جهت گیری اصلی در تنقیح قوانین و مقررات در راستای رسیدن به قوانین عادلانه است اگر آنگونه که از تنقیح قوانین من می فهمم انجام گیرد احتمال آن می رود که مصدافی از آیه شریفه تحقق پیدا کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۷۷)

به هر حال تورم کیفری که نتیجه طبیعی جرم انگاری وسیع قانونی و قضایی در درون سیاست جنایی است امری نامطلوب می باشد که بی اعتباری ارزش های اساسی جامعه، ایجاد حقوق جزای استثنایی، تاثیر بر روند دادرسی و عدم کارآیی مجازات ها و افزایش بزهکاری از جمله پیامدهای منفی آن محسوب می شوند. (زینالی و بهرامی یاسی کند، ۱۳۹۶: ۲۰۰-۲۰۴)

لذا، قانونگذاری پراکنده را می توان به عنوان یکی از آسیب های مبتلا به نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران دانست (مرکز مالگیری و مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۷)؛ کمترین پیامد قانونگذاری پراکنده، انباشتن بار قوانینی است که انتظار تبعیت از آن ها به دلیل عدم آگاهی و دسترسی شهروندان و مامورین حکومتی به آن ها، انتظاری بیهوده است. (مرکز مالگیری و مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۵)

۲. عدم حتمیت محکومیت کیفری یا اعمال کیفر

دل بستن به حقوق جزا در مقایسه با سایر شاخه های حقوقی در مسیر پاسداری از ارزش های والای جامعه به علت مسلح بودن آن به سلاح مجازات می باشد و مجرمین بالقوه و بالفعل نیز بر اثر احساس هراس از این مجازات ها از ارتکاب اولیه یا ثانویه جرائم خودداری می کنند. مسلماً، هر چه حتمیت و اطمینان از محکومیت کیفری و تحمیل کیفر به علت ارتکاب جرم بیشتر باشد، کارکرد ارعایی و پیشگیرانه حقوق جزا نیز نمایان تر خواهد بود. برعکس، در صورتی که راهکارهای گریز از محکومیت جزایی یا تحمل مجازات وجود داشته باشد، بزهکاران به امید استفاده از آن ها، در نادیده گرفتن هنجارهای حافظ ارزش های اساسی جامعه تجری بیشتری خواهند یافت. محیط زیست دریایی نیز که حقوق کیفری را به عنوان یکی از مهمترین و مستحکم ترین تکیه گاه و پناهگاه های خود می شناسد با موضوع فوق الذکر ارتباط می یابد. بررسی مقررات کیفری زیست محیطی دریایی و توجه به مجازات های متعین، این حقیقت را روشن می سازد که اکثریت قریب به اتفاق آن ها مجازات های تعزیری درجه ۵ و ۶ و بعضاً درجه ۷ و ۸ می باشند.

تقریباً تمامی جرائم علیه محیط زیست دریایی به لحاظ میزان مجازات به گونه ای هستند که یکی از موارد معافیت یا تعویق یا تعلیق در مورد آن ها قابل اعمال است و چنین وضعیتی به هیچ

وجه با ضرورت حفاظت از محیط زیست دریایی و چشم‌داشت آن به دستان مسلح به سلاح کیفر نظام عدالت کیفری در برخورد قاطع با بزهکاران این عرصه مطابقت ندارد و در واقع کشف جرم و ارجاع موضوع به مرجع قضایی ممکن است حسب احکام و اختیارات قانونی به صدور حکم محکومیت جزایی و اجرای مجازات منتهی نگردد و حتی به عاملی قوی جهت تضعیف انگیزه و جدیت اراده ضابطین در کشف جرائم زیست محیطی تبدیل شود که این امر عدم انسجام در راهبرد مبارزه با جرائم علیه محیط زیست دریایی را بیشتر دامن خواهد زد.

بدیهی است نهادهای قانونی یادشده، به خودی خود مفید و بر پیشرفت حقوق کیفری و فراهم‌سازی هر چه بیشتر امکان اعمال اصل ارزشمند فردی کردن مجازات دلالت دارد، لیکن شمول آن‌ها بدین گستردگی نسبت به جرایم علیه محیط زیست دریایی قابل دفاع نمی‌باشد. در این ارتباط خالی از فایده نخواهد بود که بیان گردد از سال ۱۳۸۳ چند شعبه از دادسرای ناحیه ۱۹ در تهران به صورت اختصاصی رسیدگی به پرونده‌های زیست محیطی را بر عهده گرفته‌اند. شاکه اغلب پرونده‌های مزبور سازمان حفاظت محیط زیست و شکایت مطروحه تحت عنوان تخریب، آلودگی زیست محیطی و تهدید علیه بهداشت عمومی مطرح گردیده است. (پیری و قاسمی، ناصر، ۱۳۸۸: ۲۰۹)

با بررسی ۱۶۸ پرونده مطروحه (از تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۶ الی ۱۳۸۵/۳/۲۰) در دادسرای ناحیه ۱۹ تهران مشخص گردیده است، ۱۰ درصد قرار مجرمیت و ۹۰ درصد قرار منع تعقیب (از میان چهار قرار نهایی) برای پرونده‌های ارسالی صادر شده است. چنان که ملاحظه می‌گردد، درصد صدور قرار منع تعقیب میزان بسیار بالایی دارد. صدور این قرار از یک سو به منزله عدم وقوع جرم، فقدان دلایل اثباتی و یا عدم احراز سوءنیت می‌باشد و از سوی دیگر ما همواره نظاره‌گر ورود آلاینده‌های گوناگون و تخریب به محیط زیست می‌باشیم. (پیری و قاسمی، ناصر، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

۳. موقعیت ضعیف سازمان‌های غیردولتی

در تمامی جوامع، سازمان‌های رسمی معینی وجود دارند که رسالت مقابله با بزهکاری را به عهده دارند. واقعیت این است که سازمان‌های رسمی و دولتی هر اندازه هم که مدرن و چابک باشند، نمی‌توانند به طور کامل ریشه‌های بزهکاری در جامعه را خشک و تمامی شاخه‌های آن را قطع نمایند زیرا مولفه‌های گوناگون شکل‌گیری بزهکاری اعم از جنسیت بزهکاران، سن، شیوه ارتکاب، ابزار مورد استفاده، محیط جغرافیایی و اجتماعی، اهداف و اعتقادات آنان و غیره به سرعت در حال دگرگونی و تحول می‌باشد. در این وضعیت، جامعه مدنی و نهادهای غیررسمی بایستی تشکیل و سازماندهی شوند و در مسیر پیشگیری و تقابل با بزهکاری به موازات سازمان‌های رسمی گام بردارند و نقش آفرینی مؤثر داشته باشند و بدون تردید یکی از حوزه‌هایی که به شدت

به مشارکت فعال نهادهای مدنی نیاز دارد محیط زیست دریایی است. ورود نهادهای مدنی به عرصه مقابله با جرائم با رویکرد پیشگیرانه به شکل گیری سیاست جنایی مشارکتی، انجامیده است. در مقام تعریف، بیان شده که، "سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی به تشکل‌های غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی اطلاق می‌گردد که از تجمع اشخاص حقیقی به طور داوطلبانه و به گونه‌ای سازمان دهی شده است که این اشخاص با تدوین اساسنامه‌ای مدون، از تاریخ ثبت در مراجع رسمی کشور به عنوان یک شخصیت حقوقی جهت تحقق اهداف و آرمان‌های مشترک در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به فعالیت در سطح شهرها و روستاهای کشور و در صورت امکان در سطح بین‌المللی می‌پردازد (رشیدپور، ۱۳۸۲: ۵)

سازمان‌های غیردولتی در دو قالب "رقیب" یا "همکار" دولت‌ها نقش‌دهی می‌کنند. در موضوعات مرتبط با حقوق بشر این سازمان‌ها بیشتر به عنوان رقیب دولت‌ها هستند، در حالی که در خصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست بیشتر به مثابه همکار دولت‌ها تلقی می‌شوند. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۹)

آگاهی مردم و مشارکت آنان در امور مربوط به محیط زیست آنقدر دارای اهمیت می‌باشد که در مقررات بین‌المللی نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است و قسمت آخر بند ۵ از ماده ۵ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹ آلمان مبنی بر آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به مردم و لزوم استفاده از مردم محلی از این جمله است. چرا که مردم محلی به دلیل تعلق خاطری که به محل زندگی و حیات خود دارند در صورت آگاهی از عواقب بین رفتن این اکوسیستم، خود نخواهند گذاشت که سایرین نیز مرتکب جرائم زیست محیطی در این زمینه شوند که این خود کلید اصلی پیشگیری وضعی می‌باشد. (بیگی و داداشی، ۱۳۹۶: ۶۳)

البته به نظر نگارنده اطلاع‌رسانی و ارتقاء سطح دانش و آگاهی‌های جامعه در خصوص موضوعات و مسائل زیست محیطی در حوزه پیشگیری اجتماعی قرار می‌گیرد. هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی - مجازات - و باز پذیرسازی اجتماعی بزه‌کاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۴)

مبنای اصلی مشارکت در پیشگیری از جرم این است که مؤثرترین روش مقابله با جرم و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه، دخالت خود شهروندان و فعالیت آن‌ها جهت پیشگیری از جرم است. (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۰۱)

هر چند در سیاست‌گذاری عمومی جنس سیاست‌ها اقتضای آن را دارد که دستگاه و نهادهای دولتی و عمومی مجری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متخذه باشند، اما تنیدگی بسیاری از مسائل

عمومی من جمله محیط زیست با مسائل مردمی، مشارکت دادن آن‌ها را در فرآیند سیاست‌سازی و اجرای خط‌مشی‌های زیست محیطی لازم نموده است (رضوانی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

به هر حال مداخله و مشارکت فعال جامعه مدنی در حوزه زیست محیط دریایی و نقش آفرینی آن با کارکردهای پیشگیرانه و تنبیهی دارای اهمیت و پیامدهای مثبت و مورد اقبال جهانیان می‌باشد. بر این اساس، هرچند بسیاری از مقررات اولیه اساساً منتج از سیاست‌های متمرکزسازی و برنامه‌ریزی اجرا شده توسط یک دولت توسعه محور هستند، با وجود این، مشخص شده است که جدیدترین مقررات توسط یک جامعه مدنی سازمان‌یافته و آگاه زیست محیطی در قالب یک چارچوب سیاسی دموکراتیک و بهبود دانش علمی و الزامات تقاضا شده است (دروموند و باروس^۱، ۲۰۰۶: ۸۳).

فراهم نمودن زمینه پدیداری سیاست جنایی مشارکتی در حوزه محیط زیست دریایی ضروری و مفید می‌باشد. جرائم ارتكابی علیه محیط زیست دریایی غالباً به گونه‌ای هستند که از دیدگان جامعه مدنی مخفی نمی‌مانند. تخریب سواحل، خشک کردن دریا و تصرف اراضی ساحلی (دریا خواری)، آلوده‌سازی دریا، صید غیرمجاز آبزیان، ورود فاضلاب‌های صنعتی یا خانگی به دریا و غیره اقداماتی هستند که جامعه به سرعت از آن‌ها آگاهی حاصل خواهد نمود. تشکل‌های مردم نهاد یا همان سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با تبلیغات و اطلاع‌رسانی بموقع و حساس کردن افکار عمومی، زمینه مشارکت موثر مردمی را در راستای مسائل و موضوعات منابع آب و بطور کلی زیست محیطی فراهم کنند. (محمودی جانکی و زکوی، ۱۳۹۶: ۲۷۹)

بدیهی است اگر جامعه در ارتباط با این قبیل جرائم دارای کنش و واکنش مناسب باشد، می‌تواند به پیشگیری از وقوع یا تکرار آن‌ها و نیز ساماندهی برخورد مناسب با بزهکاران مساعدت نماید. زیرا صرف مداخله دولت در حفاظت از منابع آبی کافی نبوده و پیشنهاد می‌گردد که مدل جامعی و اجتماعی مثل انجمن‌های مردم نهاد در نائل شدن به سیاست جنایی در مورد منابع آبی مداخله نمایند. (حیدرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲)

نقش سازمان‌های غیردولتی در اجرای سیاست‌های زیست محیطی آنقدر مهم و تأثیرگذار است که در همه مراحل خط‌مشی‌گذاری، جایگاه نهادهای غیردولتی به عنوان واسطه حلقه حکومت و مردم پیش‌بینی شده و سناریوی بازیگران این سازمان‌ها به صورت کامل از قبل طراحی شده است. (رضوانی فر، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۲)

در ایران علیرغم اینکه انجمن‌های حامی محیط زیست وجود دارند، لیکن نقش آن‌ها کم‌رنگ است و اولاً در سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی جایگاه مشخصی برای آن‌ها تعریف نشده و ثانیاً ضرورت حفاظت از محیط زیست دریایی به یک مطالبه عمومی و جدی تبدیل نگردیده است و

¹ Drummond & Barros

کسانی که به تخریب یا آلوده‌سازی محیط زیست دریایی مبادرت می‌نمایند با چهره عبوس و ناراحت مردم جامعه مواجه نمی‌شوند. در نظام‌های حقوقی سبز، دولت‌ها با توجه به ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد به این سازمان‌ها امکان مشارکت در مقررات‌گذاری، مشارکت در طرح دعوی و نظارت و پایش اجرای قوانین و مقررات را می‌دهند. در نظام حقوقی ایران برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی، نقش قضایی (اعلام جرم) و مشارکت در تهیه و تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی نشده است. با این وجود، کاستی‌ها و استثنائات و همچنین امکان حذف و تغییر فهرست سمن‌های فعال در حوزه محیط زیست توسط مقامات دولتی می‌تواند موجب خدشه در تعهدات دولت و مهمتر نیل به هدف محیط زیست سالم و سبز شود (غمامی؛ کدخدا مرادی و درخشان، ۱۳۹۷: ۳۹۷).

بر این اساس، انسجام و همبستگی میان نهادهای مدنی و سازمان‌های رسمی در این حوزه بسیار حساس و مهم، به طور بایسته وجود ندارد. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های اصلی مشارکت به حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی و مشارکت عموم در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط زیست تقسیم می‌شود (بیگی و داداشی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)؛ مثلاً لازم است که صیادان در فرآیند تصمیم‌سازی و مقررات‌گذاری در حوزه صید و صیادی مشارکت نمایند و مشارکت داده شوند. زیرا آنان به طور مستقیم با این مقوله سر و کار دارند و نیازمندی‌های این موضوع و اقتضائات مربوطه را به خوبی با تمام وجود درک و لمس نموده‌اند. به هر حال، آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که براساس تصمیم‌گیری‌هایی بر پایه جامعه و براساس نمایندگان صنعت در بدنه مدیریتی ماهیگیری، ماهیگیران باید در فرآیند تعیین اهداف مدیریتی و سازوکارهای رسیدن به آن اهداف نقش داشته باشند. این مسئله به همراه کنترل دسترسی به منابع می‌تواند گام بلندی در راه تضمین آینده ذخایر ماهیان باشد. (هال، ۱۳۹۰: ۳۹۴)

ضمناً به اعتقاد برخی، پیشگیری مشارکتی نسبت به جرائم زیست محیطی در ایران در مرحله جنینی قرار دارد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۹)؛ زیرا تأمل در مقررات حاکم بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران صرفاً به طور پراکنده مواد مختلفی به مشارکت سازمان‌های غیردولتی اختصاص یافته است و قانون جامع و مستقلاً در خصوص پیشگیری مشارکتی وجود ندارد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۶)؛ این موضوع مورد تأیید کسانی دیگر نیز می‌باشد به این ترتیب که بیان داشته‌اند فراهم کردن زمینه تحقق مؤلفه‌های اساسی مشارکت‌های محیط زیستی از الزامات پایه‌ریزی یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد است و در عمل، نتایج قابل توجهی در حوزه پیشگیری و مبارزه با جرایم و آسیب‌های محیط زیستی خواهد داشت. (مهدوی و علی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۹۵)

بررسی قوانین و مقررات ناظر بر مشارکت‌های محیط زیستی و همچنین، ارکان اساسی آن در کشورمان (ایران) بیانگر خلاء قانونی در خصوص حق دسترسی مردم به اطلاعات محیط زیستی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که محیط زیستشان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و همچنین ضمانت اجرای تضمین این حقوق است. (مهردوی و علی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹)

بر این اساس، بررسی وضعیت سمن‌ها در کشور ایران موید ایجاد یک روند رکود و توقف نسبی از آغاز سال ۱۳۸۵ تاکنون است که به دلیل ورود مسائل سیاسی و امنیتی به ساختار فعالیت‌های اجتماعی و عدم توجه به سمن‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی محیط زیست کشور ناشی از عدم باور مدیران ارشد و تصمیم‌گیران ارشد کشور می‌باشد و این موضوع سبب کاهش چشمگیر سالانه سمن‌های فعال در سطح کشور گردیده است، به نحوی که در سال ۱۳۹۰، حدود ۴۰ سمن در سراسر کشور منحل گردیده و امروز نسبت تعداد سمن‌های فعال به سمن‌های ثبت شده در سراسر کشور بسیار اندک می‌باشد. (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۴: ۱۰۳)

۴. عدم اهتمام بایسته به آموزش‌های زیست محیطی

تردید نیست که در بسیاری مواقع ارتکاب اعمالی که تخلف یا جرم تلقی می‌شوند از ناآگاهی مرتکب یا مرتکبین از ماهیت متخلفانه یا مجرمانه اعمال مذکور و آثار و پیامدهای زیانبار آن نشأت می‌گیرد به صورتی که چنانچه اشخاص به این موارد آگاهی داشته باشند رعایت و احتیاط بیشتری را در رفتارهای خود دخیل و لحاظ خواهند نمود. قانونگذار نیز با درک صحیح از همین ضرورت، در موضوعات مختلف و از جمله محیط زیست، اهمیت آموزش و اجرایی نمودن آن را مورد تأکید قرار داده است. یکی از مقررات مبین لزوم پرداختن به آموزش زیست محیطی، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴ می‌باشد. به موجب بند "ر" ماده ۶ قانون مزبور، تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. مثلاً به منظور انجام وظیفه مذکور، سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند برنامه گردش دریایی با یک شناور تفریحی به طور کاملاً رایگان ترتیب دهد و شرکت‌کنندگان را ضمن لذت بردن از گشت دریایی، از خصوصیات، محدودیت‌ها و آثار آلاینده‌ها و آلاینده‌ها آگاه نماید و در واقع به این ترتیب آموزش مؤثری را به شهروندان گردشگر ارائه نماید. زیرا افراد صرفاً با دریافت اطلاعاتی که دیگران گردآوری کرده‌اند، نسبت به محیط زیست شناخت پیدا نمی‌کنند و پیامدهای اعمالشان را به طور منطقی ارزیابی نمی‌کنند. محیط طبیعی تجربه‌ای حسی است که ممکن است حافظ سلامت یا مخرب سلامت، شادی آفرین، احساس برانگیز، نگران‌کننده یا

آزاردهنده باشد. این تجربه، دانش خاص خود را پدید می‌آورد و بسیاری از افرادی که هرگز به طور رسمی محیط زیست را مطالعه نکرده‌اند، به درستی می‌توانند مدعی داشتن چنین دانشی درباره محیط طبیعی باشند. این دست تجربیات ساده روزانه بیان‌کننده چیزی است که از لحاظ جامعه شناختی بسیار مهم است. (ساتون و فیلیپ دبلیو، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۵)

لیکن از اجرای چنین برنامه‌های آموزشی توسط سازمان حفاظت محیط زیست خبری نیست و در راستای امر آموزش حداکثر به تهیه و چاپ پوستر و کتابچه اکتفاء گردیده است. تردیدی نیست که پوستر و کتاب نیز با هدف آموزش و اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد و در جای خود شایسته تحسین می‌باشد، اما آنچه در موضوع مورد بحث اولویت و اهمیت دارد آموزش عینی و تاثیرگذار می‌باشد. این امر زمانی نمود بیشتری می‌یابد که سرانه مطالعه و کتابخوانی در جامعه ما که متأسفانه بسیار کم است فراموش نشود. بدیهی است یکی از اقداماتی که می‌تواند سودمندی محیط زیست دریایی را در افکار عمومی تثبیت و روشن نماید و افکار عمومی را به سوی لزوم حفاظت و پرهیز از تخریب و آلاینده‌گی آن هدایت کند برنامه‌های آموزشی می‌باشد. در واقع انسجام و همگرایی لازم در ارتباط با این موضوع مهم در درون سازمان حفاظت محیط زیست شکل نگرفته است و دلیل این مدعا نیز عدم وجود برنامه‌های آموزشی فراگیر، اثر بخش و مستمر به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست دریایی می‌باشد. البته ناگفته پیداست که نبود این قبیل کارهای آموزشی، خود دارای علت‌های متعدد و عدم وجود بودجه کافی به عنوان مهمترین آن‌هاست. بدون تردید رسیدن بدین باور که آموزش شهروندان به نحو مستمر و موثر حفاظت محیط زیست را در پی خواهد داشت و نسلی دوستدار محیط زیست را تربیت خواهد نمود ضروری است. آموزش، شهروند عادی را به شهروند اکولوژیست تبدیل و او را نسبت به مسائل زیست محیطی حساس می‌کند. او بتدریج به شهروند جهانی تبدیل می‌شود و جامعه جهانی را برای حفظ سیاره زمین در برابر تهدیدات زیست محیطی به یاری می‌طلبد. (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶: ۳۳۶-۳۳۷)

در ادامه، به دلیل قابلیت تاثیرگذاری بسیار زیاد دو نهاد دادگستری و آموزش و پرورش در جامعه و ضرورت تمرکز به نحو خاص بر کارکرد آموزشی دو نهاد مذکور، رسالت آموزشی آن‌ها بطور جداگانه تبیین می‌شود. اهمیت آموزش بر کسی پوشیده نیست و پیشتر نیز وجوب و تاثیر آن در رشد و توسعه جوامع بشری بیان گردید، لیکن یاددهی و تعلیم توسط برخی اشخاص یا نهادها می‌تواند نفوذ و رسوخ عمیق‌تر و پایدارتری در اذهان آحاد جامعه پدید آورد. تعلیم و تربیت از سوی وزارت آموزش و پرورش و قوه قضائیه از این خصوصیت برخوردار می‌باشد زیرا دانش آموزی و پرورش و تربیت از طریق وزارت آموزش و پرورش به دلیل این که از سن

کودکی آغاز می‌گردد در دانش‌آموزان نهادینه می‌گردد و آموزش مقررات و مسائل گوناگون اعم از پیشگیرانه و سزاگرایانه بوسیله قوه قضائیه به علت این که خواه ناخواه با ایجاد میزانی از ارباب عام توأم می‌باشد اثرگذاری قابل توجهی در اجتماع خواهد داشت و در هر دو حالت زمینه پیشگیری از ارتکاب جرم فراهم می‌آید و محیط زیست دریایی نیز یکی از بهره‌مندان چنین فرآیندی خواهد بود. در واقع، نهاد آموزش و پرورش رسمی را تولیدکننده مدنیت، تلفیق اجتماعی و اطاعت از قوانین ملی می‌دانند که هم‌نوایی و سازگار پذیری اعضای جامعه و در یک کلمه جامعه‌پذیری موفق را به دنبال دارد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۲۰۹)

نهاد تعلیم و تربیت رسمی می‌تواند کاستی‌ها و نقایص دیگر نهادهای مؤثر بر کاهش میزان جرم به ویژه نهاد خانواده را جبران کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵: ۲۱۰)؛ در واقع رویکردهای پیشگیری از جرم متعارف می‌توانند بینش و بصیرتی را در مورد طریقه مناسب پیشگیری از این نوع آسیب‌ها [در زیست محیطی دریایی] یا به حداقل رسانی آن‌ها فراهم سازند. به عنوان مثال از جنبه روش‌های پیشگیری از جرم اجتماعی می‌توان کودکان را در مدرسه با برنامه‌هایی رو در رو کرد که دوباره به برداشت آن‌ها از محیط زیست، ماهی و صید ماهی شکل بدهند. این شامل بحث راجع به "صید و رها کردن" به عنوان یک الزام برای صید تفریحی تا انجام تکالیفی در مورد آثار تغییر اقلیم بر روی گونه‌های ماهی است. جوانانی که هم‌اکنون باعث انحطاط محیط زیست می‌شوند یا در حق حیوانات اجحاف می‌کنند یا به نظر می‌رسد به احتمال قوی دست به چنین اعمالی بزنند می‌توانند تحت برنامه‌های فشرده با هدف تغییر نگرش و رفتار قرار بگیرند. (وایت و داگلاس، ۱۳۹۴: ۲۵۱)

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای فصل هشتم خود که شامل مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ می‌باشد عنوان «حقوق قضایی» را تعیین کرده است. مستنداً به بند «د» ماده ۲۱۱ به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه سازی فرهنگ قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی لازم است که یکسری اقدامات انجام شود. آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضائیه از طریق صدا و سیما، آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص اموری چند از جمله محیط زیست توسط دستگاه‌های ذی‌ربط از طریق صدا و سیما و نهایتاً پیش‌بینی مواد درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه در زمره اقدامات مورد تأکید مقرر قانونی فوق‌الذکر می‌باشند.

قطعاً برنامه‌های مذکور می‌توانند بسیار متنوع و مفید باشند و به پیشگیری از ارتکاب جرائم از جمله جرائم زیست محیطی نیز کمک نمایند. در واقع با برنامه‌های آموزشی مذکور، به ارتقاء سطح آگاهی و بهبود نگرش جامعه در خصوص محیط زیست و به فرهنگ‌سازی در زمینه حفاظت

از محیط زیست همت گمارده می شود که خود در قلمرو وسیع پیشگیری اجتماعی جای می گیرد. بنابراین قوه قضائیه باید از طریق همکاری با صدا و سیما به ساخت برنامه های آموزشی مبادرت ورزد تا دست کم شماری از بزهکاران احتمالی از ارتکاب جرم خودداری کنند. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۰۵)

لیکن ابهام و تردید اساسی در اجرای برنامه های مورد حکم قانون وجود دارد. آیا واقعاً آموزش در ارتباط با محیط زیست دریایی یا تبیین تخلفات و جرائم علیه محیط زیست دریایی از سوی قوه قضائیه از مجرای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ارائه می گردد؟ آیا در مواد درسی دانش آموزان مقاطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه (که البته به اعتقاد نگارنده باید از دوره تحصیلی ابتدایی شروع شود) درس یا دروسی با عنوان محیط زیست دریایی یا حداقل محیط زیست وجود دارد؟ پاسخ پرسش های مطروحه مثبت نمی باشد و جواب منفی به این سؤالات به منزله منسجم نبودن و همسو نبودن برنامه ها و اقدامات اجرایی سازمان های مختلف در حوزه محیط زیست دریایی است و علیرغم این که قوه قضائیه ادعای اعتقاد و اهتمام به پیشگیری از جرائم و وزارت آموزش و پرورش داعیه تربیت و پرورش نسل آینده ساز و اداره کنندگان آتی جامعه دارد و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز به تخصیص زمان مناسب برای پخش برنامه های یاد شده مکلف است، لیکن عملاً ارائه برنامه های آموزشی در خصوص محیط زیست دریایی به صورت منطبق با برنامه های مصوب مقنن مشاهده نمی شود. این در حالی است که محیط تحصیلی، پس از خانواده اثرگذارترین محیط بر جهت و ماهیت رفتاری افراد به شمار می رود؛ چنان که بنیان های سازگاری و ناسازگاری افراد با ارزش های اساسی اجتماعی را باید نخست، در چگونگی رشد و پرورش در محیط خانواده و سپس در چگونگی تربیت وی در محیط تحصیلی جست. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۰۶)

لازم به ذکر است که اجرای برنامه های آموزشی فقط به غیربزهکاران منصرف نمی شود و در این زمینه ارائه آموزش های متناسب به بزهکاران نیز باید در دستور کار قوه قضائیه قرار داشته باشد که می توان از آن به بازپروری فرهنگی تعبیر نمود. به دیگر سخن، بازسازی فرآیند تربیتی بزهکاران از رهگذر برنامه های اصلاحی - پرورشی سامانه عدالت کیفری را بازپروری فرهنگی گویند. این گونه بازپروری در صدد متحول کردن نظام رفتاری بزهکار از طریق تدابیر تربیت مدار است. گونه یاد شده یکی از بارزترین انواع بازپروری مجرمان است که در موفقیت و بعد اصلاحی - درمانی عدالت کیفری نقش به سزایی ایفاء می نماید. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۱۵-۲۱۶)

در این مجال انعکاس اقدامات آموزشی برخی کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه در زمینه محیط زیست به منظور تشخیص جایگاه و ارزیابی بهتر وضعیت آموزش زیست محیطی

کشورمان بی‌مناسبت نمی‌باشد.

علیرغم درک عمیق اهمیت و لزوم حفاظت محیط زیست در دنیا و اذعان و اصرار به انتقال این الزام به اقشار مختلف جامعه از طریق فرآیند آموزش، لیکن وضعیت آموزش زیست محیطی در ایران نمایی مطلوب را بازتاب نمی‌دهد. مدرسه بهترین مکان برای آموزش محیط زیست و ترویج فرهنگ محیط زیستی است. این در حالی است که موضوع محیط زیست و آموزش محیط زیستی در اسناد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های آموزشی کشور موضوعی مغفول به نظر می‌رسد. بی‌اطلاعی و عدم مسئولیت محیط زیستی در معلمان و یاددهندگان خود از چالش‌هایی است که کشور با آن رو به روست. نبود فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان این رشته از دیگر چالش‌هایی است که آموزش محیط زیست در ایران با آن رو به روست. به هر حال، آموزش محیط زیست در ایران در مراحل اولیه قرار دارد و از سویی فاصله بسیار زیادی با اکثر کشورهای جهان دارد. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۸)

۵. انفعال نظام عدالت کیفری

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احیای حقوق عامه و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را به عنوان بخشی از وظایف قوه قضائیه احصاء کرده است. بر این اساس، رسالت دستگاه قضایی صرفاً واکنشی نیست بلکه قانون اساسی این ظرفیت را مهیا ساخته است که قوه قضائیه با اهرم‌های توانمندی که در اختیار دارد از حقوق ملت صیانت نماید و خصوصاً با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، ضامن پایداری و مانایی حقوق عمومی باشد و این وظیفه با نهاد "دادستانی" سنخیت و تجانس دارد. (بیگی و داداشی، ۱۳۹۶: ۱۳۹)

این در حالی است که در حوزه محیط زیست دریایی رفتارهای ناقص حقوق عموم جامعه که بعضاً مجرمانه نیز هستند به طور مکرر به ارتکاب می‌رسد. بدیهی است یکی از حق‌های عامه مردم، حفاظت از سواحل و دریا و آبریان و مصون‌سازی آن‌ها از تخریب، تجاوز، تصرف و آلودگی می‌باشد که به استناد اصل فوق‌الذکر قوه قضائیه نیز در این خصوص بدون تکلیف نیست. همچنین، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم نیز از دیگر وظایف بسیار مهم قوه قضائیه می‌باشد. ژرمی بنتام دانشمند انگلیسی می‌گوید: قانونگذاران به مجازات بیش از سایر چیزها اهمیت می‌دهند برای آن که جهت اجتناب از اعمال زشت از یک سو خیلی آسان است که گفته شود متخلفان را کیفر بدهید و از جهتی دیگر پیشگیری خیلی سخت است، برای آن که این امر مستلزم بررسی‌های عمیق‌تری می‌باشد. از دیدگاه منتسکیو قانونگذاران خوب تلاش می‌کنند جرایم را کمتر مجازات دهند بلکه تلاش می‌کنند از وقوع بزه‌ها جلوگیری نمایند و به توده اخلاق‌پسندیده را تعلیم دهند. (زینالی و بهرامی یاسی کند، ۱۳۹۶: ۷۰)

بدون تردید امر پیشگیری در ارتباط با جرائم علیه محیط زیست دریایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. آنچه عملکرد دستگاه قضایی بازتاب می‌دهد، دو مقوله احیا و احقاق حق بهره‌مندی عامه ملت از محیط زیست دریایی سالم و پایدار و نیز پیشگیری از وقوع جرائم علیه محیط زیست مذکور در آن درخشان و پررنگ نمی‌باشد. نظام قضایی بجای داشتن کارکرد فعالانه در این زمینه بیشتر نقشی انفعالی پذیرفته و در ایفای وظیفه خود در بند ۱ اصل یاد شده مبنی بر رسیدگی و صدور حکم متوقف مانده است.

در حقیقت، نقش دادستان در صیانت از حقوق محیط زیستی مردم بسیار پررنگ و کلیدی بوده و این فرصت قانونی و ظرفیت قضایی امانتی است در اختیار دستگاه قضایی و نهاد دادرسی. (بیگی و داداشی، ۱۳۹۶: ۱۴۱-۱۴۳)

واقعیت این است که نهاد دادگستری منتظر می‌ماند تا اگر شکایتی با موضوع محیط زیست مطرح شود به آن رسیدگی و در صورت احراز مجرمیت به صدور حکم مبادرت نماید. این رویکرد، علی‌رغم وجود مقررات متعددی است که بر راهبرد پیشگیرانه قوه قضاییه مهر تأیید و تأکید می‌زند. یکی از این مقررات قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد. این قانون (برنامه پنج ساله) جهت راهبردی دستگاه قضایی را استفاده از تدابیر جرم‌شناسانه تعیین نموده است تا این نهاد به منظور کاهش میزان بزهکاری و بالا بردن سطح امنیت و کاهش احتمال شکل‌گیری انگیزه‌ها و فرصت‌های جنایی، به ابتکارهای جرم‌شناسانه رو آورد (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۱۸). البته هر چند پیشگیری از بزهکاری و بازپروری مجرمان، از جمله تدابیر سیاست جنایی است، اما اجرایی شدن آن‌ها صرفاً از سوی دستگاه قضایی امکانپذیر نیست. واگذاری این تکلیف به دستگاه قضایی به این معنا نیست که سایر نهادهای رسمی و غیررسمی در خصوص پیشگیری از جرم نقشی نداشته باشند. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۱۸)

امروزه غالب افراد جامعه از دنیای مجازی استفاده و اخبار و حوادث را در فضای اینترنت دنبال می‌کنند و قطعاً مقامات قضایی نیز از این مقوله مستثنی نیستند. اخبار مربوط به تصرف سواحل یا آلودگی دریایی نیز از جمله موضوعاتی هستند که در دنیای مجازی به چشم می‌خورند و این امر علاوه بر آن بخش از خبرهایی است که در جرایم و سایر رسانه‌های جمعی بیان می‌گردند. لیکن کمتر دیده می‌شود که مثلاً دادستان به عنوان نماینده جامعه برای پاسداشت حقوق اجتماعی به بررسی و پیگیری موضوع بپردازد. همچنین در بعضی مواقع علیرغم اطلاع مقام قضایی از وجود و وقوع جرم علیه محیط زیست دریایی مانند واریز فاضلاب‌ها به دریا متأسفانه اقدامی توسط وی صورت نمی‌گیرد. موضوع دیگری که در این ارتباط شایان ذکر است این که محاکم در راستای ایفای نقش منفعل خود حتی در صدور احکام محکومیت، به جزای نقدی اکتفا می‌کنند و توجه

زیادی به مجازات‌های جایگزین حبس نظیر خدمات عمومی رایگان و مثلاً پاکسازی ساحل دریا ندارند. موارد مذکور بر عدم هماهنگی و هم راستایی برای تحقق هدف پیشگیری از تکوین جرم و مقابله با آن دلالت دارد و در حالی که سیاست جنایی تقنینی بر اصولی چند در ارتباط با وظایف قوه قضائیه تعلق گرفته است، سیاست جنایی قضایی پیوند و انسجام لازم و کافی با آن ندارد و به صورتی ناقص و گسسته به حرکت خود ادامه می‌دهد.

بنابراین مبحث پیشگیری از تکوین جرائم علیه محیط زیست دریایی باید اولویت نظام عدالت کیفری را به خود اختصاص دهد هر چند که غفلت از پاسخ‌های سزاگرایانه نسبت به مجرمین این عرصه نیز جایز نمی‌باشد. لذا اتخاذ مجموعه راهکارهایی در قالب مجازات‌های هنجارشکنان، اقدامی است که پس از کاربست راهکارهای پیشگیرانه و اصلاحی، با هدف حفظ انتظام و همبستگی اجتماعی، گریزناپذیر است. (محسنی تبریزی و فولادی، ۱۳۹۴: ۳۸۳)

نتیجه‌گیری

محیط زیست دریایی نیز یکی از حوزه‌هایی است که به شدت به حمایت همه جانبه از سوی سیاست جنایی نیاز دارد. علیرغم اهمیت و ارزش بی‌بدیل زیست بوم دریایی و امکان بالقوه اثرگذاری سودمند سیاست جنایی، لیکن به علت عدم برقراری انسجام و هم‌راستایی در درون سیاست جنایی، محیط زیست دریایی نیز بهره‌مندی مورد انتظار را بدست نیاورده و همچنان مورد جفای بزهکاران است. عوامل متعددی موجب گردیده که شاخص مذکور از سیاست جنایی سلب شود. برخی عوامل را باید فراتر از چارچوب قوانین جستجو نمود. به عبارت دیگر، ایراد اصلی در خصوص کاستی‌ها و معضلاتی است که به تعهدپذیری یا قدرت اجرایی و حمایت‌های حاکمیتی در زمینه زیست محیطی دریایی مربوط می‌گردد. مواردی همچون قدرت نامتوازن سازمان‌های ذی‌ربط، عدم انعکاس کامل و دقیق وضعیت زیست بوم دریایی به جامعه، پایبند نبودن حکومت‌ها به تعهدات بین‌المللی از این جمله‌اند. دسته‌ای دیگر از عوامل مزبور در متون قانونی وجود دارند. در واقع مقررات موضوعه با هدف محافظت همه جانبه از محیط زیست دریایی پیوند منسجم برقرار نمی‌کند و ضمانت اجرای لازم برای تلاش‌های سایر نهادهای غیر کیفری را تامین نمی‌نماید. تفرق مقررات، عدم الزام برخی سازمان‌ها به تعقیب قضایی بزهکاران، موقعیت ضعیف و شکننده سازمان‌های مردم‌نهاد و ... در این قسمت جانمایی می‌شوند. همچنین یکسری عوامل نیز به اجرای ناقص و نادرست مقررات باز می‌گردد. بدین ترتیب که در ابعاد مهم و موثری که تصریح و تاکید قانونی نیز وجود دارد، در مقام عمل، ضعف و کاستی بوجود می‌آید به نحوی که اجرای هدفمند و صحیح مقررات قانونی محقق نمی‌شود. مواردی همچون عدم اهتمام به آموزش‌های زیست محیطی، انفعال نظام عدالت کیفری و تعارض اقسام سیاست جنایی در این ارتباط قابل ذکر

می‌باشند. بنابراین تا زمانی که موانع فرآروی صورت‌بندی کامل انسجام سیاست جنایی در حوزه زیست محیط دریایی، برطرف نگردد و سیاست جنایی، عملکردی منسجم و هوشمندانه در طریق مقابله با بزهکاری در حوزه مذکور اتخاذ ننماید، نجات محیط زیست دریایی از انحاء رفتارهای زیانبار بزهکاران مقدور و محقق نخواهد شد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۹۱). **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
- بیگی، جمال، داداشی چکان، محمدمهدی (۱۳۹۶). **پیشگیری وضعی از جرایم زیست محیطی در ایران و اسناد بین‌المللی**، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- پیری، مریم و قاسمی، ناصر (۱۳۸۸). **بررسی حقوقی - قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست**، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۱(۳).
- حیدرزاده، الهام (۱۳۹۲). **پیشگیری از جرایم زیست محیطی**، فصلنامه اخلاق زیستی، ۳(۷).
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). **سیاست جنایی مشارکتی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۴). **کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی**، فصلنامه سیاست کلان (ویژه محیط زیست)، ۴(۵).
- ساتون، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۳). **درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست**، ترجمه صادق صالحی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- رشیدپور، لقمان (۱۳۸۲). **بررسی و تحلیل عملکرد تشکل‌های غیردولتی زیست محیطی در سال ۱۳۸۲**، دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست.
- رضوانی فر، محمدمهدی (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری زیست محیطی در نظام حقوقی ایران**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- زینالی، امیرحمزه، بهرامی یاسی کند، هیمن (۱۳۹۶). **جامعه‌شناسی مجازات: بومی‌سازی ضمانت‌اجراه‌های کیفری در حقوق ایران با تأکید بر مجازات‌های جامعه‌مدار**، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- رضوانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸). **حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران**، مجله علوم محیطی، ۷(۲).
- رضوانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). **پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران**، مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). **تدوین شناسنامه قوانین به منظور رشد کیفی قانونگذاری**، فصلنامه حقوقی گواه، ۱۰(۱).
- غمامی، محمدمهدی، کدخدا مرادی، کمال، درخشان، داور (۱۳۹۷). **تعهدات حمایتی دولت در قبال سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی در نظام حقوقی ایران**، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۹(۴۸).
- کریمی، عباس، کامیار، غلامرضا (۱۳۹۶). **حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی**، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). **چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست محیطی**، مجله اطلاع‌رسانی حقوقی، (شماره‌های ۱۷ و ۱۸).
- محمودی جانکی، فیروز، زکوی، مهدی (۱۳۹۶). **سیاست جنایی ایران در جرایم علیه منابع آب با تأکید بر قوانین بین‌المللی**، فصلنامه مطالعات حقوق، ۱(۸).

- مرکز مالگیری، احمد، مهدی زاده، مهدی (۱۳۹۴). **قانونگذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۷(۴۷).
- مهدوی، محمود، علی نژاد، آذر (۱۳۹۵). **دموکراسی محیط زیستی، رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط زیستی**، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۳(۱).
- وایت، رابرت داگلاس (۱۳۹۴). **جرایم علیه طبیعت: جرم‌شناسی محیط زیست و عدالت زیست محیطی**، ترجمه پیمان نمایان، سجاد طیبی، تهران: انتشارات مجد.
- هال، استفان جی (۱۳۹۰). **تأثیر ماهیگیری بر اکوسیستم و جوامع دریایی**، ترجمه شهرام دادگر، فرهاد کی مرام، تورج ولی نسب، تهران: موسسه تحقیقات شیلات ایران.

References:

- Drummond, J. & Barros-Plataiu, A. F. (2006), **Brazilian Environmental Laws and Policies, 1934–2002: A Critical Overview**. Law & Policy, 28(83).